



Research Article

A Study of the Role of Active Teaching Methodology with a Problem-Solving Approach to the Religious Training of Students¹

Farkhondeh Mansoorian

PhD. Student, Islamic Philosophy and Wisdom, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. rayiy@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review problem-centered teaching methodology and its role on the improvement of students' religious training. The method of study is descriptive-analytic and the results showed that problem solving is placed at the highest level of human cognitive function and it is considered as one of the most valuable training and educational goals. Problem solving skill is a systematic process and it focuses on the analysis of problems by the ability in recognizing the problem and passing its procedures. With respect to the importance of knowing religious concepts, turning them into heartfelt beliefs, and applying them in the students' behavior, problem-centered teaching methodology can foster the spirit of asking questions and the power of thinking among students and lead them to find appropriate answers to their questions and doubts in terms of religious training.

Keywords: Religious Training, Active Teaching Methodology, Problem-Centered Teaching Methodology, Students.

1. **Received:** 2022/02/15 ; **Revision:** 2022/03/04 ; **Accepted:** 2022/03/22

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





بررسی نقش روش تدریس فعال با رویکرد حل مسأله بر تربیت دینی دانش آموزان^۱

فرخنده منصوریان

دانشجوی دکتری، فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران. rayiy@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روش تدریس مسأله محور و اهمیت و نقش آن در تعالی تربیت دینی دانش آموزان است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که حل مسأله در بالاترین سطح فعالیت شناختی انسان قرار دارد و از ارزشمندترین اهداف تربیتی و آموزشی به حساب می آید. مهارت حل مسأله، فرایندی نظام مند است و با توانایی در شناخت مسأله و گذراندن مراحل آن، بر تحلیل مسأله تمرکز دارد. با توجه به اهمیت شناخت مفاهیم دینی، تبدیل آنها به باورهای قلبی و کاربست باورها در رفتار دانش آموزان، و روش تدریس مسأله محور، می تواند با تقویت روحیه پرسش گری و قدرت تفکر، دانش آموزان را در یافتن پاسخ مناسب به پرسش ها و شبهات آنان در راستای تربیت دینی هدایت کند.

کلیدواژه ها: تربیت دینی، روش تدریس فعال، روش تدریس مسأله محور، دانش آموزان.

۱. **استناد به این مقاله:** منصوریان، فرخنده (۱۴۰۱). بررسی نقش روش تدریس فعال با رویکرد حل مسأله بر تربیت دینی دانش آموزان. پژوهش

در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۲(۲)، ص ۱۰۷-۱۲۲. DOI: 10.22034/riet.2022.11151.1111

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۲

۱. مقدمه

تربیت، پرورش دادن استعدادهای درونی است که بالقوه در انسان موجود است. تربیت باید تابع و پیرو طبیعت و سرشت موجود باشد (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۵۶-۵۷). خلیل بن احمد فراهیدی (۱۴۰۹ق) در مورد معنای لغوی واژه تربیت آورده است که ریشه آن به معنای زیادت می‌باشد. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق) تربیت را از ریشه ربّ و در اصل به معنی پرورش می‌داند که به معنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر، در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد. از نظر اسماعیلی یزدی (۱۳۸۹)، تربیت در اصطلاح به معنای فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادهای درونی و قوای جسمانی و روانی برای وصول به کمال مطلوب است (به نقل از: شعاعی و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۳).

در نهاد و باطن هر فردی استعدادها و قابلیت‌هایی وجود دارد که او را از نظر علم و ایمان به والاترین مقام انسانیت می‌کشاند. لازمه شکوفایی این استعدادها بالقوه، تربیت دینی است تا در پرتو آن، ذخائر عظیم و نهفته درونی، بارور شده و به فعلیت درآیند و در جامعه قابل بهره‌برداری شوند. امروزه نقش مهم تربیت دینی، بر کسی پوشیده نیست. می‌توان ادعان داشت که تربیت، موجب شکوفایی استعدادها انسان و نظام ارزشی و اهداف او می‌شود. دین ارزشمندترین منبعی است که با نگاه جامع به استعدادها و تمامی ابعاد زندگی، انسان را به والاترین ارزش‌ها، نگرش‌ها و شکوفایی صحیح‌تر استعدادها رهنمون می‌سازد.

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و از همان ابتدای انقلاب اسلامی، بر اساس باورمندی نسبت به نظام تربیتی اسلام، تربیت دینی، هم به معنای چتری فراگیر که همه ساحت‌های تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم به معنای ساحتی ویژه از تربیت که مشخصاً تربیت از بُعد اعتقادی، عبادی و اخلاقی انسان را در دستور کار قرار می‌دهد، مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی بوده و بر اولویت آن نیز تأکید شده است (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴-۱۸۵). لذا، می‌توان گفت که تربیت دینی مهم‌ترین رکن نظام تربیتی و آموزشی است و اساساً تحقق تربیت دینی بدون توجه به عناصر و عوامل موثر در نظام تربیتی مدون و علمی، امری دست نیافتنی است (طهماسب‌زاده شیخ‌لار و عظیم‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۷) و رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقیّد به مناسک و آداب دینی را برای تحقق شخصیتی متمدن مد نظر دارد (کیومرثی، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

شناخت عواملی که در تربیت دینی موثرند، اهمیت فراوانی دارد، زیرا از این طریق می‌توان با آسیب‌های ناشی از عدم تربیت دینی مقابله کرده و به تربیتی درست و سالم دست یافت (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲). در زمینه عواملی که در شناخت تربیت دینی نقش دارند، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است، از جمله: عابدی و همکاران (۱۳۹۷)، طهماسب‌زاده شیخ‌لار و عظیم‌پور (۱۳۹۸)،

مرزوقی و دهقانی (۱۳۹۸)، داوودی (۱۳۹۸)، افشارمنش (۱۳۹۷)، یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۷)، محمودی (۱۳۹۶)، میرشاه جعفری و کاویانی (۱۳۹۵)، رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۵)، شریعتی و محمدنژاد (۱۳۹۰). مطالعه تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت دینی، در راستای تعالی ارزش‌های دینی همواره به دنبال این مسأله بوده‌اند که چرا آموزش‌های دینی به تربیت و عملکرد دینی منتهی نمی‌شود؟ و اساساً مؤثرترین روش تربیت دینی چیست؟ لذا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که آیا روش‌های تدریس فعال در تربیت دینی دانش‌آموزان تاثیرگذار هستند؟

۲. مبانی نظری

ضرورت پرداختن به مطالعه در زمینه تربیت دینی دانش‌آموزان این است که در شرایط کنونی، وضعیت اقتصادی، اخلاقی و رفتاری پاره‌ای از نوجوانان کشور، حکایت از ناکارآمدی تربیت دینی دارد و می‌بایست در جهت رفع این مشکل اقدام کرد. البته مجموعه‌ای از عوامل در این ناکارآمدی نقش داشته‌اند که می‌توان با عنایت به مقتضیات زمانی چون جنگ، تحریم‌ها و هجوم فرهنگی دشمن که به فرموده مقام معظم رهبری به ناتوی فرهنگی (۱۳۹۱) و حتی فراتر از آن، قتل عام فرهنگی (۱۳۹۷) مبدل شده است، نام برد (به نقل از: مرزوقی و دهقانی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱). از طرفی یکی از مشکلاتی که بر سر راه معلمان در امر تربیت دینی دانش‌آموزان وجود دارد این است که ممکن است دانش‌آموزان در تعارض میان گفته‌های معلم و آنچه که در محیط بیرون از مدرسه به آن‌ها القاء می‌شود، گرفتار شوند. در این وضعیت اگر دانش‌آموز قدرت تحلیل و تفکر داشته باشد، به راحتی می‌تواند مسأله را تجزیه و تحلیل کند و حق را از باطل، بر اساس آموخته‌هایش تشخیص دهد. اما اگر فاقد چنین قدرتی باشد، این امکان وجود دارد که تسلیم گفته‌های دیگران شود. این دیگران، می‌توانند خانواده و بستگان او یا شبهه‌افکنان و مخالفان دین باشند و یا رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعات (به نقل از: باشند و صوفی، ۱۳۹۷، ص ۴). محمدی احمدآبادی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهد که تربیت دینی در کشور ما به عنوان یک کشور اسلامی دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای است. اما علی‌رغم اهمیت آن، متأسفانه کم‌تر به آن پرداخته شده است و تحقیقات و شواهد نشان‌دهنده سست شدن روز به روز ارزش‌ها و اعتقادات در بین جوانان و نوجوانان می‌باشد (به نقل از: قادری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲). از این رو در نظام تربیتی ما، تربیت دینی فراگیران بسیار اهمیت دارد و منشاء نگرانی بسیاری از مسئولان آموزشی بشمار می‌رود. بنابراین، لازم است که در نظام آموزشی، تربیت دینی به عنوان یک ضرورت مهم و اولویت‌دار محسوب شده و در کانون توجه و نقد قرار بگیرد. چنین امر مهمی امکان‌پذیر نیست،

جز با شناخت دقیق و علمی و ارائه راهکارهای عالمانه و کاربردی در خصوص حل آسیب‌های آن که بر عهده اندیشمندان، متفکران و محققان این حوزه است.

هدف از مطالعه تربیت دینی این است که دانش‌آموزان را با مفاهیم دینی به صورت کاربردی و تحلیلی آشنا سازد تا آن‌ها را در رفتار و عملکرد دینی پیاده کنند. به عبارتی در تربیت دینی هدف، ظهور تغییرات اساسی در احساس، ارزش، نگرش، باور و عملکرد دانش‌آموز در مورد خود، محیط پیرامون، پدیده‌ها و رویدادهای درونی است. نجفی هزارجریبی (۱۳۸۷) چنین بیان می‌دارد که یکی از اهداف اساسی در هر جامعه‌ای رشد تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد که از دیرباز مورد توجه اساتید و صاحب‌نظران نظام آموزش و پرورش بوده است. برآورد آن عمدتاً به کیفیت و شیوه‌های تدریس بستگی دارد، چرا که هر جا صحبت از تعلیم و تربیت می‌شود، خواسته یا ناخواسته مقوله تدریس و شیوه‌های آن خودنمایی می‌کند. تحقیقات انجام شده در زمینه شیوه‌های تدریس نشان می‌دهد که هنوز بسیاری از معلمان قسمت قابل ملاحظه‌ای از وقت کلاس خود را به سخنرانی و یا پرسیدن سوال‌هایی صرف می‌کنند که چیزی غیر از جمع‌آوری حقایق ساده علمی را نمی‌طلبد و تنها یک درصد زمان صرف شده در کلاس را برای سوال‌هایی اختصاص می‌دهند که پاسخی متفکرانه می‌طلبد (به نقل از: باشنده و صوفی، ۱۳۹۷، ص ۳).

اهمیت تعلیم و تربیت و در عین حال پیچیدگی و دشواری تعلیم و تربیت واقعی، موضوعی است که همه ملل جهان کم و بیش از آن باخبرند. امروزه در حوزه تعلیم و تربیت و آموزش فراگیران، بحث روش‌های تدریس یکی از چالش‌های معلمان محسوب می‌شود. بکارگیری روش تدریس متناسب با هر ماده درسی از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، یکی از مسایل اساسی که در حال حاضر نظام‌های آموزشی با آن روبه‌رو هستند، بحث ایجاد نوآوری و تغییر در روش‌های تدریس است که می‌تواند در متناسب‌سازی محتوا و روش‌های آموزشی با زندگی بزرگسالی نقش مهمی ایفا نمایند. نتایج پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهد که در زمینه برنامه‌های آموزش و تربیت دینی، اعم از کتاب‌های درسی و معلمین و نیروی انسانی آموزش‌دهنده به شیوه‌ها و روش‌های تدریس در این زمینه، تا رسیدن به برنامه مطلوب فاصله زیادی است (زارع بیدکی و رجبی، ۱۳۹۹، ص ۱). این امر حاکی از آن است که جهان با سرعتی چشمگیر در حال تغییر است، به همین دلیل نوجویی و نوآوری در هر زمینه‌ای به چشم می‌خورد. بدیهی است، فرایند تربیت دینی نیز باید پا به پای تغییرات، پیش رفته تا بتواند پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان خود باشد. تحقق این مهم، بازنگری و تحول در روش‌های تدریس متناسب با تربیت دینی را ضروری می‌نمایاند.

در زمینه بحث تأثیر و ارتباط روش‌های تدریس و تربیت دینی می‌توان به برخی پژوهش‌ها اشاره کرد، از جمله: گنجی (۱۳۸۳)، فلاح (۱۳۸۸)، مؤمن‌نژاد (۱۳۹۲)، غلامی و همکاران (۲۰۱۱)، چی‌دی^۱ (۲۰۱۳)، امامی‌ریزی و همکاران (۲۰۱۳)، سیتوما^۲ (۲۰۱۶)، امیدیان و همکاران (۱۳۹۶)، باشنده و صوفی (۱۳۹۷)، قادری و همکاران (۱۳۹۸)، زارع بیدکی و رجبی (۱۳۹۹). بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که محققان این حوزه، هر یک به تناسب و فراخور معلومات خود، ضمن بیان دلایل و عوامل موثر در تربیت دینی دانش‌آموزان، به آسیب‌شناسی بسترهای تحقق این موضوع پرداخته و راهکارهای خود را نیز ارائه کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز در همین راستا به بررسی نقش روش‌های تدریس فعال در تحقق‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان پرداخته است تا چنانچه لازم شود، برنامه کنونی تربیت دینی، مورد بازنگری و تحول قرار گیرد، و نهایتاً اهداف نظام آموزشی مربوطه در تربیت نسلی دیندار پیاده گردد.

لذا، لازم است ابتدا روش‌های تدریس تعریف، و سپس به انواع روش‌های تدریس اشاره کوتاهی شود.

۳. روش تدریس

روش‌های تدریس و آموزش در جهان سابقه‌ای به بلندی تاریخ بشر دارند. در گذشته‌های دور که تعلیم و تربیت محدود بود، اقوام بدوی با روش‌های علمی راه‌های به دست آوردن خوراک، پوشاک و پناهگاه را می‌آموختند و تربیت‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی هم با شرکت در مراسم جشن‌های قبیله‌ای صورت می‌گرفت. بنابراین، می‌توان روش آموختن در این دوره از تاریخ بشر را روش تقلیدی و علمی نامید. در تربیت دینی به تدریج طبقه‌ای به عنوان روحانیون پدید آمدند که نخستین معلمان تاریخ بشر محسوب می‌شدند و تا قرن‌ها آموزش و پرورش حق و ویژه و تحت نظارت آن‌ها بوده است. با پیدایش طبقه مذکور و اختراع خط و تدوین ادبیات مذهبی، روش‌های آموزش متحول و آموزش‌های نظری بر آموزش‌های علمی که در خانه انجام می‌شد و آموزش‌های نظری که طبقه روحانی ضمن اجرای مراسم دینی عهده‌دار آن بودند، انجام می‌شد. از حدود قرن پنجم قبل از میلاد تا اوایل قرن بیستم میلادی در کشورهای متمدن جهان مانند اروپا و چین بر آموزش زبان و ادبیات و دین تأکید می‌شد. در اروپا آموزش زبان و ادبیات تا قرن اول قبل از میلاد به صورت بلاغی و یا معانی بیان و نیز به صورت سقراطی

1. Chidi

2. Sitooma

صورت می‌گرفت و از زمان سقراط تا ۸۰۰ سال پس از آن، روش تدریس زبان و ادبیات غربی پایدار باقی ماند. در اروپا هدف عمده آموزش و ادبیات پرورش سخنوری بود که این مهارت در سه زمینه دستور زبان، سبک بیان و فصاحت سبک بود. آنان سابقه زبان و ادبیات فضیلت‌های اخلاقی را مانند حرمت نهادن به دیگران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌آموختند (محمدی و محمدی، ۱۳۹۷، ص ۳).

در این راستا، یکی از هدف‌های آموزش و پرورش کنونی این است که فراگیران را یاری کند تا بتوانند از دانش خود به صورت موثر استفاده کنند و از آنجا که عمر هر رشته دانش بشری همواره کوتاه‌تر می‌شود و قواعدی نوین و مستمر جای آن‌ها را می‌گیرد، لذا، معلم باید با توجه به هدف‌های آموزشی، محتوای تدریس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، امکانات موجود، تراکم دانش‌آموزی و... مناسب‌ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب کند. معلمان سربازان خط اول جبهه تربیت هستند و ضرورت دارد که با مدرن‌ترین سلاح‌های علمی روز یعنی روش‌های مختلف، نوین و فعال تدریس آشنا باشند و بدانند در کدامین موقعیت آموزشی از کدام روش استفاده کنند (محمدی و محمدی، ۱۳۹۷، ص ۷). روش‌های تدریس، سبک‌های متفاوت عملکرد معلم در کلاس درس را موجب می‌شود و فرصت‌های مناسب یادگیری را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. لذا، عموماً همه متخصصان معتقدند که با توجه به شرایط متغیر محیط کلاس درس و ویژگی‌های متفاوت دانش‌آموزان، استفاده معلم از روش یک‌طرفه تدریس مانند سخنرانی که در آن دانش‌آموزان منفعل هستند، صحیح نبوده و بهتر است که معلمان بنا بر اهداف تعیین شده دروس، از روش تدریس دو طرفه و تعاملی کمک بگیرند که دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری به چالش کشیده و فعال سازند. در ادامه به یک تقسیم‌بندی کلی اشاره می‌شود که در آن، روش‌های تدریس به دو بخش کلی تقسیم شده است: روش‌های تدریس سنتی (غیرفعال) و روش‌های تدریس فعال.

در دسته اول روش‌های تدریس سنتی قرار دارند. روش‌هایی مانند روش حفظ و تکرار، روش توضیحی، روش سخنرانی که به نظر می‌رسد امروزه بیشترین کاربرد را در مدارس دارند. در شیوه تدریس سنتی رخدادهای آموزشی به صورت تعامل‌های علمی، عاطفی و اجتماعی در بین دانش‌آموزان اتفاق نمی‌افتد. معلم با مطرح نکردن موضوعات بحث برانگیز، محیط آموزشی یکنواخت و کسل‌کننده‌ای را ایجاد می‌کند که باعث عدم کنجکاوی و سوال و مشارکت کلاسی دانش‌آموز می‌شود. بنابراین، تربیت دینی در روش تدریس سنتی جایگاه ناچیزی دارد، زیرا ارائه مفاهیم به صورت سخنرانی و توضیحات یک‌طرفه از طرف معلم و کسب مهارت خواندن و نوشتن و همچنین حفظ مطالب به صورت طوطی‌وار و بی‌معنی موجب می‌گردد که ذهن شاگردان محل ذخیره‌سازی موقت حقایق علمی شود و از قابلیت‌های چگونگی آموختن محروم شوند.

در دسته دوم روش‌های تدریس فعال قرار دارند. تعدادی از روش‌های فعال تدریس شامل موارد زیر است: روش‌های الگوی آموزش انفرادی، تعریف و تحلیل تدریس تعاملی، روش پرسش و پاسخ، روش بحث گروهی، روش مباحثه‌ای، روش گروه‌های کوچک، روش نمایشی، روش گردش علمی، روش بازی‌های آموزشی، روش تدریس تفحص گروهی، روش واحد، روش پروژه، روش بدیعه‌پردازی یا نوآفرینی، روش بارش مغزی، روش اکتشافی، روش استقرایی، روش سقراطی، روش تدریس همیاری، روش فراشناخت، روش کاوش‌گری، روش ایفای نقش و روش حل مسأله یا مسأله محور.

در زمینه انتخاب بهترین روش تدریس، به جرأت می‌توان اذعان داشت که هیچ یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه مؤثر یا غیر مؤثر نیستند، و نحوه و شرایط استفاده از آنهاست که باعث قوت یا ضعفشان می‌شود. پژوهش حاضر، با توجه به نقش پررنگ مهارت حل مسأله در یادگیری عمیق دانش‌آموزان، به بررسی روش تدریس مسأله محور و اهمیت نقش آن در تعالی تربیت دینی دانش‌آموزان پرداخته است. لذا، در ابتدا لازم است مسأله و انواع آن تعریف شود.

مسأله چیست؟ مسأله موقعیتی است که در آن شخص برانگیخته می‌شود تا با انجام فعالیت، به هدفی دست یابد و در این کوشش با موانعی در راه رسیدن به هدف یا اهداف روبه‌رو می‌شوند و فرض می‌کند که باید بر موانع غلبه کرده و به پاسخ برسد (محزون‌زاده بوشهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱). مسأله‌ها را می‌توان به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرد که در اینجا به دو نوع تقسیم‌بندی اشاره می‌شود: مسأله از نظر موضوع و زمینه و مسأله از نظر الگو و روش حل کردن.

انواع مسأله از نظر موضوع و زمینه: همان‌گونه که گفته شد، در همه موضوعات و زمینه‌ها، مسأله وجود دارد. از این لحاظ می‌توان به انواع مسأله‌های علمی، هنری، فرهنگی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

انواع مسأله از نظر الگو و روش حل کردن: مسائل از لحاظ الگو و روش حل کردن به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) مسأله‌های عادی یا بسته: زمانی که وضعیت جاری، همان چیزی نیست که انتظار می‌رود، فرد با مسأله‌ای مواجه شده است. به عبارت دیگر، مسأله هنگامی پیش می‌آید که چیزی اتفاق افتاده است که نباید اتفاق می‌افتاد، یا چیزی که انتظار می‌رود اتفاق بیفتد و روی ندهد. مسائل بسته مسائلی هستند که الگو، فرمول یا روش حل آن‌ها شناخته شده و مشخص است. به بیان دیگر، چنانچه کل مراحل اصلی فرایند حل یک مسأله، شناخته و مشخص باشد و دانش‌آموز قادر باشد این مراحل را یاد گرفته و آن‌ها را برای رسیدن به پاسخ طی نماید، در این صورت می‌توان گفت آن مسأله یک مسأله معمولی یا بسته است.

ب) مسأله‌های غیر عادی یا باز: به مسأله‌هایی که شیوه حل آنان ناشناخته و نامعلوم است، مسأله باز یا مسأله غیر عادی گفته می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت اگر بخشی از مراحل اصلی در فرایند حل یک مسأله، یا کل آن مراحل، ناشناخته و نامشخص باشند و نیاز به کشف یا نوآفرینی داشته باشد، مسأله، غیر عادی یا باز است. هنگامی که فرد می‌خواهد وضعیت جاری را به دلخواه تغییر دهد، اما موانعی وجود دارد که وی را از آن کار باز دارد، مسائل باز گفته می‌شود. مسائل باز زمانی پیش می‌آیند که فرد قصد دارد به هدف مشخصی برسد، ولی موانع معینی سر راه وی قرار دارند.

با توجه به تعاریف مسأله می‌توان گفت مهارت حل مسأله زمانی نمود پیدا می‌کند که انسان در برابر مسأله‌ای غیر عادی یا مسأله‌ای باز قرار گیرد و نیاز به کشف راهی غیر معمول داشته باشد، راهی که تا آن زمان کسی موفق به حل آن نشده است. در مورد وقوع مسأله می‌توان گفت که زمانی که دانش‌آموزی با موقعیتی یا تکلیفی روبه‌رو می‌شود که نمی‌تواند از طریق استفاده از اطلاعات و مهارت‌هایی که از پیش آموخته است و در آن لحظه در اختیار دارد، به آن موقعیت یا تکلیف سریعاً پاسخ دهد، گفته می‌شود که او با مسأله‌ای روبه‌رو است. بنابراین، خصوصیت بارز و آشکار مسأله آن است که با اولین پاسخی که به ذهن می‌رسد، نمی‌توان آن را حل کرد، بلکه حل کردن مسأله، مستلزم بکار گرفتن دانش‌ها و اصول آموخته شده پیشین به شکلی تازه و نوین است، یعنی برای برطرف کردن مسأله، به مهارت حل مسأله نیاز می‌باشد.

در ادامه به تعدادی از تعاریف مهارت حل مسأله پرداخته می‌شود. حل مسئله یا مسئله‌گشایی فرایندی است شناختی، که به وسیله آن فرد در تلاش است تا راه‌حل مناسبی برای یک مشکل بیابد (پرلا و ادانل، به نقل از: نصری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). هارلو^۱، روش حل مسأله را به صورت فرایندی رفتاری تعریف کرده است که به صورت شناختی یا آشکار انواع پاسخ‌های بالقوه را به موقعیت‌های مشکل‌آفرین ارائه می‌کند و احتمال انتخاب مؤثرترین پاسخ را از میان این راه‌حل‌های مختلف افزایش می‌دهد و از بسیاری جهات، آموزش شیوه حل مسأله را کمک به فرد، برای ایجاد یک آمایه یادگیری قلمداد می‌کنند (به نقل از: ادیب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۶). در تعریفی دیگر الیوت^۲ و همکاران (۱۹۹۹) مهارت حل مسأله را مستلزم راهبردهای ویژه و هدف‌مندی می‌دانند که فرد بوسیله آن مشکلات را تعریف می‌کند و تصمیم به اتخاذ راه‌حل می‌گیرد، راهبردهای حل مسأله را انجام داده و

1. Harlo

2. Eliot

بر آن نظارت می‌کند (باب‌پورخیرالدین و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۷). صاحب‌نظران و اندیشمندان که در زمینه مهارت حل مسأله تحقیقات متعددی کرده‌اند، هنوز موفق نشده‌اند که تعریف مشخص و ثابتی را ارائه دهند و هر کدام از آنان نظر مختص به خود را اعلام کرده‌اند. با توجه به اختلاف نظرهایی که در میان صاحب‌نظران وجود دارد، می‌توان به تعریف نسبتاً مشترکی از مهارت حل مسأله دست یافت. مهارت حل مسأله از موثرترین شیوه‌های مسأله‌مدار است و به واسطه فرایند تفکر منطقی و منظمی که در فرد ایجاد می‌نماید، به او کمک می‌کند تا هنگام روبه‌رو شدن با مسائل پیچیده و نامعلوم، چندین راه‌حل را جستجو کند و سپس موثرترین راه‌حل را انتخاب نماید.

در قرآن کریم به روش حل مسأله در تربیت دینی دانش‌آموزان اشاره شده است. آنجا که خداوند در سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»، «با استفاده از سه ابزار، نفوس را به سوی حقیقت دعوت کن. اول، ارائه قوانین و معادلات موجود در درس، به طوری که دانش‌آموزان منطقی بودن مطلب درس را احساس کنند. دوم، نشان دادن نفع مطلب درس و بی‌ضرر بودن آن، به طوری که دانش‌آموز با میل خود تمایل به مطلب درس پیدا کند. سوم، نقد و بررسی مطالب و نظریات مشابه، به طوری که دانش‌آموز با قضاوت خود، برتری مطلب درس را درک کند».

در حال حاضر عملکرد حل مسأله دانش‌آموزان یکی از موضوعات مهم مورد توجه آموزش و پرورش هر کشور بشمار می‌رود، زیرا حل مسأله یکی از توانایی‌های محوری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است (پورقاز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۹). روش‌ها و مراحل حل مسأله با هدف آگاهی بیشتر دانش‌آموزان تنظیم می‌شوند تا بتوانند در تغییر شناخت آن‌ها نقش بسزایی داشته باشند. به گونه‌ای که آنان را در تحلیل عمیق و دقیق مسائل، موقعیت‌ها و مشکلات زندگی راهنمایی کرده و در تصمیم‌گیری‌های نهایی و نتایج منتج از طی کردن گام به گام مراحل، آنان را به خوبی هدایت می‌کنند. بنابراین، اگر نظام آموزشی بتواند توانایی حل مسأله را به فراگیران یاد دهد، به هدف‌های خود دست یافته است. هرچه قدرت تصمیم‌گیری و گزینش راه‌حل‌های مطلوب در فراگیران افزایش یابد، آنان نیازهای روزمره خود را راحت‌تر برطرف می‌کنند و موفق‌تر خواهند بود (ادیب‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳). در فرایند حل مسأله، تفکر به سوی هدف معینی که همان حل مسأله است، پیش می‌رود. در این مسیر، فرد می‌کوشد تا تجربیات و دانش گذشته را با اطلاعات موجود درهم آمیزد و با بکارگیری نیروی حافظه و تخیل خود، به فرضیه‌سازی اقدام کند. فرضیه‌ها یکی پس از دیگری در جریان عمل، آزمون می‌شوند تا در نهایت فرضیه مدلل به عنوان راه‌حل مسأله برگزیده و بکار گرفته شود.

نخستین بار جان دیویی^۱ (۱۹۹۳) از فرایند حل مسأله به عنوان یک نظریه یادگیری و آموزش سخن گفت. او این فرایند را با فرایند شناخت، یادگیری و پژوهش یکسان می‌دانست و هدف اساسی آن را مدلل ساختن یک عقیده با استفاده از شواهد، دلایل، استنباط و تعمیم می‌دانست. دیویی ضمن انتقاد از روش‌های آموزش سنتی معلم‌محور و حافظه‌ای، اعلام کرد که تجارب مدرسه باید به دانش‌آموزان کمک کند تا به جای کسب اطلاعات، پژوهش موثر در امور را بیاموزند و در مسیری گام بردارند که خود تولیدکننده دانش و معلومات خویش باشند (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۳-۲۴). جان دیویی، فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت، فرایند برخورد با شرایط زندگی را حل مسئله نامید. وی استدلال کرد که زندگی و یادگیری دربرگیرنده برخورد با مجموعه‌ای از مسائل و حل آنها است و هر عمل انسان از جمله تصمیم به ندادن پاسخ، نمودار انتخاب او از بین راه‌های مختلف است. در الگوی حل مسئله، یادگیرنده محور فعالیت محسوب می‌شود و نقش معلم تنها هدایت‌گری است. بنابراین، روش کار به وسیله خود فراگیر ساخته می‌شود. دیدگاه مورد استفاده در این الگو از نوع قیاسی است. دانش‌آموزان در این الگو، پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استدلال علمی به کمک نظریه‌ها، قوانین و با مقایسه آن‌ها با داده‌های به دست آمده از پژوهش خود، نتیجه را به دست خواهند آورد (به نقل از: احمدی و عبدالملکی، ۱۳۹۲، ص ۵). دیویی بهترین راه رسیدن به عادات تفکر و اهداف ناظر بر رشد عقلانی همچون ادراک صحیح مطلب، مقایسه نظریات استنتاج و استدلال، ارزیابی و قضاوت را ممارست و تمرین در حل مسئله می‌دانست (همان، ص ۳). مراحل مهارت حل مسأله از نظر جان دیویی به ترتیب شامل بیان مسأله، جمع‌آوری معلومات و مدارک، پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب، آزمایش راه‌حل‌ها، انتخاب راه‌حل مناسب و استنتاج است. به عقیده وی، روش حل مسأله در پژوهش‌های علمی و در پژوهش‌های فلسفی و به طور عام در برخورد با تمامی مسائل روزمره زندگی قابل اجرا می‌باشد. بنابراین، اگر تربیت دینی بتواند از نظر اجرای روش‌های نوین با نیازهای امروزی دانش‌آموزان منطبق شود و نوآوری لازم را داشته باشد، در جذب و کشش دانش‌آموزان به دینداری نقش موثری خواهد داشت.

شریعتمداری (۱۳۷۶)، در این رابطه معتقد است اگر فرآیند یاددهی یادگیری در کلاس بر اساس شیوه حل مسئله (روش علمی) طرح‌ریزی شود، دانش‌آموزان علاوه بر اینکه آموزش می‌بینند، تربیت می‌شوند و با انضباط علمی نیز آشنا خواهند شد. از آنجا که این روش مبتنی بر فهم و تفکر است، موثرترین روش آموزشی و تربیتی بشمار می‌رود و مهم‌تر اینکه در مجموع پیشرفت تحصیلی آنان نیز

تأثیر بسزایی دارد (نحفی هزارجریبی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳). نجاتی و ملکی (۱۳۹۱) نیز موفقیت در عملکرد حل مسأله را باعث برتری افراد در موقعیت‌های آموزشی مانند دانشگاه می‌دانند. علاوه بر این، اظهار می‌دارند که افراد در موقعیت‌های روزمره و خارج از کلاس درس نیز با مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شوند که راه‌حل‌ها و پاسخ‌هایی که تولید می‌کنند و تصمیماتی که می‌گیرند، نه تنها یک پیامد خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به طور بالقوه بر پیشرفت تحصیلی شخصی و اجتماعی و جهت‌گیری آنان در زندگی تأثیر بسزایی دارد (به نقل از: پورقاز و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۲). عزیزی محمودآباد و همکاران (۱۳۹۶، ص ۴۵) در پژوهشی نشان دادند که راهبردهای حل مسئله بر رشد پنج شاخص از شاخص‌های تربیت دینی از جمله شاخص تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، عزت نفس، اعتدال و شاخص صبر و بردباری تأثیر دارد و بکارگیری راهبردهای حل مسئله توسط معلمان باعث رشد این شاخص‌های تربیت دینی می‌شود. قادری و همکاران (۱۳۹۸، ص ۴) نیز نشان دادند که تربیت دینی یکی از مهم‌ترین انواع تربیت‌ها بوده و اگر این تربیت به طور کامل و جامع پرداخته نشود، سایر انواع تربیت‌ها در سایه آن از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود. بسان همه انواع تربیت‌ها، باید به این نوع تربیت نیز از همان دوران اولیه کودکی، آموزش به شکل اصولی و عقلانی توجه شود، زیرا فرآیند شکل‌گیری هر نوع هویتی به ویژه هویت دینی، از دوران کودکی هموارتر خواهد بود. اگر هویت دینی فراگیران به خوبی شکل گرفته و پرورش بیابد، فراگیر هیچ‌گاه احساس پوچی نمی‌کند و در برابر مشکلات و دوره‌های مختلف زندگی استقامت می‌کند و دانش‌آموز در پرتو این تربیت دینی جایگاه اصلی خویش را در آفرینش می‌یابد.

۴. نتیجه‌گیری

از بدیهیات و مهم‌ترین واجبات آموزش و پرورش در جامعه‌ای که خود را داعیه‌دار پرچم اسلام در جهان می‌داند، این است که در جهت تحقق و تعالی تربیت دینی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی تلاش مضاعف داشته باشد، زیرا این دانش‌آموزان زمامدار و سگان‌دار تمامی ارکان و امور آینده این کشور خواهند بود. از آنجایی که در چنین جامعه‌ای، رویکردهای آموزش معطوف به تربیت دینی و اخلاقی است، این مهم می‌تواند با روش‌های نوین تدریس که مبتنی بر اصل تفکر و تعامل یادگیرندگان با محیط و کشف مسائل و حقایق دینی است، هموار گردد. بنابراین، با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق می‌توان گفت که روش تدریس فعال با رویکرد حل مسأله در تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارد و با استفاده از روش حل مسأله، می‌توان زمینه فهم و ادراک دانش‌آموزان را به سطح ادراک مجردات

رساند، یعنی آنچه یاد می‌گیرند، به عنوان محفوظات تلقی نکرده و آن مطالب را با همه وجود درک و لمس کنند. در تبیین این نتیجه می‌توان به نظریه جان دیویی استناد کرد. جان دیویی معتقد است که روش حل مسأله از موثرترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیتی می‌باشد که در برخورد با مسائل روزمره و نیز در پژوهش‌های علمی و فلسفی قابل اجرا است. از نظر وی پژوهش علمی یا فلسفی وقتی شروع می‌شود که فرد در اثر برخورد با پدیده‌ها در موقعیتی نامعین، مبهم و گیج‌کننده قرار گیرد. مراحل مهارت حل مسأله از نظر دیویی شامل بیان مسأله، جمع‌آوری معلومات و مدارک، پیدا کردن راه‌حل‌های مناسب، آزمایش راه‌حل‌ها، انتخاب راه‌حل مناسب و استنتاج می‌باشد. با طی کردن گام به گام این مراحل و انتخاب بهترین راه‌حل، ابتدا منطقی بودن این روش لمس شده، سپس مفید بودن آن مشهود می‌شود و در آخر با رفع ابهام در زمینه مورد نظر، برتری آن بر دیگر روش‌ها کاملاً مشخص می‌شود. از آنجایی که این روش مبتنی بر فهم و تفکر و تعقل است، دانش‌آموزان با کسب این مهارت قادرند به دلیل شناخت بهتر مسائل و تفسیر بهتر از آن، به ویژه در درک مفاهیم و مضامین دینی و حتی هنگام ایجاد شک و شبهات، در پیدا کردن راه درست موفق باشند. لذا، ضمن شناخت مفاهیم دینی، باورهای قلبی و فکری در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود و در نهایت به عملکرد دینی می‌رسد. این مراحل اساسی‌ترین اصل در امر تعلیم و تربیت دینی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۵. پیشنهادات پژوهش

از آنجایی که توانایی‌های فردی معلمان در تسلط بر روش حل مسأله، در تربیت دینی دانش‌آموزان اثرات درخشانی دارد، لذا، به معلمان پیشنهاد می‌گردد نسبت به افزایش سطح توانایی و مهارت علمی خود، متناسب با محتوای دروس بکوشند و با گنجانیدن مفاهیم و مضامین دینی و اخلاقی در فرایند حل مسأله، پایه‌های اعتقادی و اخلاقی دانش‌آموزان را مبتنی بر ساخت و تحول دینی آنها تحکیم بخشند و در مسیر تربیت و هدایت آن‌ها نقش موثرتری را ایفا نموده و موجب شکوفایی و پرورش خلاقیت و توانمندی‌های نهفته در حقیقت وجودشان گردند. این تلاش صادقانه و خالصانه معلمان و مربیان بر متریان، موجب تثبیت بیشتر تربیت دینی و در نهایت تبدیل به اعتقادات و باورهای راسخ در جامعه خواهد شد.

— منابع —

قرآن کریم.

- احمدی، غلامعلی (۱۳۸۰). کاربرد روش حل مسأله در علوم. *تعلیم و تربیت*، شماره ۶۵، صص ۴۶-۱۱.
- احمدی، غلامعلی؛ عبدالملکی، شوبو (۱۳۹۲). بررسی تأثیر الگوی حل مسأله بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در درس شیمی. *مطالعات آموزش و یادگیری*، (۱)، صص ۲۱-۱.
- ادیب‌نیا، اسد (۱۳۸۹). *روش‌های تدریس پیشرفته*. شوشتر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ادیب‌نیا، اسد؛ مهاجر، یحیی؛ شیخ‌پور، سکینه (۱۳۹۲). مقایسه تأثیر روش تدریس حل مسأله با روش تدریس کاوشگری بر مهارت‌های حل مسأله اجتماعی دانش آموزان دختر در درس علوم اجتماعی پایه پنجم ابتدایی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، (۹)۲، صص ۶۳-۷۸.
- افشارمنش، محمود (۱۳۹۷). موانع و تهدیدهای فرا روی همکاری خانواده و مدرسه برای ارتقاء تربیت دینی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از نظر کارشناسان تربیت دینی. *معرفت*، (۱۱)۲۷، صص ۷۱-۸۴.
- امیدیان، فرانک؛ دهقانی، مرضیه؛ خواجه حسن دزفولی، عزیز (۱۳۹۶). اعتباریابی مقیاس دینداری و نقش روش‌های تدریس فعال با رویکرد اسلامی بر میزان دینداری دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، (۱۱۲)۲۳، صص ۸۷-۱۰۲.
- باباپورخیرالدین، جلیل؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم؛ اژه‌ای، جواد؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین شیوه‌های حل مسأله و سلامت روانشناختی دانشجویان. *روانشناسی*، (۱)۷، صص ۱-۱۶.
- باشنده، آرزو؛ صوفی، الله نظرعلی (۱۳۹۷). *نقش روش‌های تدریس فعال در تربیت دینی دانش‌آموزان*. در: کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، صص ۱-۱۰.
- پورقاز، عبدالوهاب؛ محمدی، امین؛ دوستی، مرضیه (۱۳۹۱). تأثیر خودکارآمدی تحصیلی و خستگی شناختی بر حل مسائل شناختی دانش‌آموزان. *مطالعات روانشناسی تربیتی*، شماره ۱۵، صص ۶۷-۸۶.
- داوودی، محمد (۱۳۹۸). چالش‌های ناظر به امکان منطقی تربیت دینی با تأکید بر دیدگاه هرست. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، (۲)۹، صص ۱۲۶-۱۴۷.
- رحمان‌پور، محمد؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، (۳۲)۲۴، صص ۳۱-۵۲.
- زارع بیدکی، ریحانه؛ رجبی، اعظم (۱۳۹۹). *بررسی نقش روش‌های تدریس فعال بر میزان علاقمندی فراگیران به مسائل دینی در درس هدیه‌های آسمان*. در: سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و علوم انسانی.
- شریعتی، مسعود؛ محمدنژاد، امیر (۱۳۹۰). آسیب‌های سازمانی تربیت دینی کارکنان ناجا. *پژوهش و اندیشه*، (۱۸)۸، صص ۹۹-۱۱۷.
- شعاعی، علی‌اصغر؛ قاسمی، ثریا (۱۴۰۰). *جایگاه معلم در تربیت عبادی کودکان*. در: ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی، صص ۱-۱۰.
- صادق‌زاده، علیرضا؛ حسنی، محمد؛ کشاورز، سوسن؛ احمدی، آمنه (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود؛ عظیم‌پور، احسان (۱۳۹۸). آزمون ساختار عاملی و سنجش همسانی درونی پرسشنامه عوامل آموزشی موثر بر تربیت دینی دانش‌آموزان. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۴(۱۰)، ص ۶۵-۸۶.
- عابدی، فاطمه؛ منادی، مرتضی؛ خادمی اشکذری، ملوک؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۹۷). واکاوی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی* ۲۶(۳۸)، ص ۱۴۵-۱۶۹.
- عزیزی محمودآباد، مهران؛ رستمی مسنی، کورش؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۶). بررسی تأثیر راهبردهای حل مسأله بر رشد شاخص‌های تربیت دینی از دیدگاه معلمان. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۵(۳۵)، ص ۴۵-۶۸.
- فلاح، نوروز (۱۳۸۸). **تأثیر روش سنتی و روش مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش به یادگیری درس معارف اسلامی دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر تبریز**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- قادری، عارف؛ ماشین‌چی، علی اصغر؛ هاشمی، سید احمد (۱۳۹۸). **بررسی رابطه بین بکارگیری روش‌های فعال تدریس و تحقق اهداف درس دین و زندگی در مقطع متوسطه**. در: دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه.
- کیومرثی، غلامعلی (۱۳۹۲). **مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی**. تهران: انتشارات مدرسه.
- گنجی، محمد (۱۳۸۳). **تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- محزون‌زاده بوشهری، فاطمه (۱۳۹۲). **مهارت حل مسأله**. تهران: انتشارات راز نهان.
- محمدی، مریم؛ محمدی، مرتضی (۱۳۹۷). **نقش استفاده از روش‌های تدریس فعال در بهبود یادگیری دانش‌آموزان**. در: سومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش، ص ۸-۱.
- محمودی، سیروس (۱۳۹۶). **آسیب‌شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه پیام نور**. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۱(۷۰)، ص ۴۷-۶۲.
- مرزوقی، رحمت‌الله؛ دهقانی، یاسر (۱۳۹۸). **ارزیابی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه: مطالعه موردی شهر شیراز**. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۴(۱۱)، ص ۸۱-۱۰۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). **تعلیم و تربیت در اسلام**. تهران: انتشارات صدرا.
- مؤمن‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). **اثر بخشی آموزش آموزه‌های مذهبی کتاب دین و زندگی بر دینداری دانش‌آموزان پسر (سوم دبستان) شهرستان گتوند**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.
- میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ کاویانی، حسن (۱۳۹۵). **مدل‌سازی گرایش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به تربیت دینی**. *جلوه پژوهش در دین و سلامت*، ۲(۴)، ص ۵-۲۶.
- نجاتی، وحید؛ ملکی، قیصر (۱۳۹۱). **رابطه بین تکانش‌گری و تأمل‌گرایی با عملکرد حل مسأله**. *تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۱۴(۱)، ص ۸۱-۷۶.
- نجفی هزار جریبی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). **بررسی و مقایسه تأثیر روش تدریس حل مسئله با روش تدریس سنتی در درس علوم تجربی و ریاضیات بر پیشرفت تحصیلی و یادآوری دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس دولتی شهر بهشهر و ارائه الگوی عملی**. *پژوهش‌های تربیتی*، ۱۴، ص ۱۸۱-۱۹۹.
- نصری، صادق؛ صالح صدق‌پور، بهرام؛ چراغیان رادی، منوچهر (۱۳۹۳). **مدل‌یابی ساختاری رابطه خودکارآمدی، فراشناخت با ارزیابی حل مسأله دانش‌آموزان متوسطه**. *روانشناسی مدرسه*، ۳(۳)، ص ۱۰۶-۱۳۷.
- یزدخواستی، علی؛ بابایی فرد، اسدالله؛ کیانی، اعظم (۱۳۹۷). **بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دانشجویان دانشگاه کاشان**. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۴)، ص ۱۲۹-۱۵۲.

- Chidi, I.L. (2013). Methods and materials for Religious Education in Adult Education in Eneuou State. *European Journal of Educational Studies*, 5(L), P.123-129.
- Elliot, T.R., Shewchuk, R.M. & Richards, J.S. (1999). Care given social problem solving abilities and family member adjustment to recent onset physical disability. *Rehabilitation Psychology*, 44(1), P.104-123.
- Emamirizi, C., Najafifour, M. & Mishah Jafari, E. (2013). The effect of the active teaching method on the academic achievement in the Religious Concepts. *Social and Behavioral Sciences*, 83, P.204-207.
- Gholami, A., Maleki, H. & Emami Rizi, C. (2011). Studying the effectiveness degree of active teaching methods on religious and moral education of students at fifth grade of primary school in shiraz from teachers Point of view. *Social and Behavioural sciences*, 15, P. 2132-2136.

